



تاریخچه اشتغال زندانیان در نظام زندانبانی انگلستان

مترجمان: احمد راهرو خواجه
علیرضا درویش خادم

سال ۱۷۹۱ جرمی بنتهام موضوع کار کردن در زندان را از منظری دیگر مورد بحث قرار داد. او معتقد بود، کار کردن زندان را به کارخانه ای سودمند و زندانیان را به کارگرانی منضبط و خودکار تبدیل می کند با وجودی که ایده های ساختاری بنتهام در دهه های بعد در بسیاری از زندان ها، نتیجه داد ولی دولت طرح او را سوء استفاده از کار کردن زندانیان در جهت بدست آوردن منافع شخصی قلمداد کرد و آن را مردود شمرد.

دیدگاه پاول در این مورد این بود که زندان یک کارخانه نیست و کار کردن زندانی، مجازات او به خاطر ارتکاب جرم اوست و این دیدگاه دولت را تحت تاثیر قرار داد. قانون گولز در سال ۱۸۲۳ اهداف تشکیل زندان را اینگونه تشریح کرد «نگهداری زندانیان در حبس، تامین سلامت آنها، اصلاح رفتارشان و اعمال مجازات

هوارد معتقد بود که زندان، باید عاملی جهت پشیمانی و بازگشت سعادت‌مندان زندانی به جامعه باشد و این امر بوسیله انضباط و کار کردن محقق می شود.

قانون مجازات حبس که در سال ۱۷۷۹ توسط دراگر تهیه شد و در آن کار به شکلی بسیار اعمالی همچون بریدن سنگ، سوهان کشیدن چوب و قطعه قطعه کردن تنه درختان بود. در سال ۱۷۸۴ آزاد شدن از زندان منوط به کشیدن حبس انفرادی و انجام کار در زندان بود. در

زندان ها به عنوان نهادهایی برای حبس کردن و مجازات نمودن بزهکاران از اشکال قدیمی خود یعنی نواخانه ها، دارالتادیب ها و زندان های کوچک محلی تا شکل کنونی خود طی قرن های هجدهم و نوزدهم میلادی گسترش یافتند. از زمان جان هووارد در دهه ۱۸۷۰ م بحث چگونگی رسیدن به دو هدف اصلی زندان یعنی بازدارندگی و اصلاح، بوجود آمد. بطالت و بی کاری در زندان های محلی، هووارد و همکاران خیر اندیش او را برآن داشت تا دستورالعملی بر اساس سه رکن یعنی حبس انفرادی، مذهب و کارسخت را تنظیم کنند.

این سه رکن تا قرن نوزدهم به خوبی در نظام زندان ها اجرا می شد و در این بین اهمیت کار کردن در زندان ها، دلایل آن و شکل‌های گوناگونی که به خود گرفت، بر حسب زمان و مکان دستخوش تغییر گشت.

✓
زندان، باید عاملی جهت پشیمانی و بازگشت سعادت‌مندان زندانی به جامعه باشد و این امر بوسیله انضباط و کار کردن محقق می شود.



صحیح به محکومین طبق این قانون کار از طریق فرایندی منظم باید انجام می شد یعنی : طبقه بندی مناسب بازرسی ، استخدام و ساختار مذهبی و اخلاقی با این همه این قانون چگونگی و نوع کار را مشخص نکرد. در این میان بحث اصلی بین حامیان

دو نظام ساکت و نظام تفکیک بود. حامیان نظام ساکت معتقد بودند که زندانیان می توانند باهم کار کنند و اجازه حرف زدن با یکدیگر را نداشته باشند و حامیان نظام تفکیک معتقد بودند زندانیان باید جدای از یکدیگر نگهداری شوند و درون سلول هایشان ساکت به کار مشغول باشند در نهایت این بحث به نفع حامیان نظام تفکیک خاتمه یافت و منجر به بازگشایی زندان پنتونوبل در سال ۱۸۴۲ شد.

از سال ۱۸۲۰ به بعد قوانین اداره زندان ها با افزایش جرم و تعداد زندانیان، سخت تر شد. کار شاق، رژیم غذایی نان و آب و قانون سکوت بصورت عادی در آمد. ایگناتیف یک روز معمولی از زندگی یک زندانی در زندان پنتونوپول را تجربه کرد و بیست و سه روز را به تنهایی در سلولش گذراند، هشت ساعت و نیم را با چرخ خیاطی برای تهیه پوتین و لباس زندانیان صرف کرد، یک ساعت و نیم را به ورزش و انجام اعمال دینی اختصاص داد که در طی این مدت ماسک هم به صورت داشت و از دوستانش نیز مبرا بود. رژیم غذایی یکنواختی داشت یعنی نان، کاکائو، حلیم جو و نوعی غذای آب پز:

اوقات فراغت او نیز با قدم زدن در داخل سلول و خواندن انجیل می گذشت .

زندانیان بی نظم توسط شلاق و تازیانه و محبوس شدن در زیر زمین تاریک ، تنبیه می شدند و به هنگام شب ، زندانیان دیگر ، صدای فریاد کسانی را که تحمل تنهایی نداشتند، می توانستند بشنوند. یکی از بازرسان زندان به نام گرو فورد در سال ۱۸۳۸ نوشت : کار کردن در زندان یکی از عواملی است که از جنون و دیوانگی جلوگیری می کند.

از سال ۱۸۴۸ زندان های کار عمومی بتدریج بوجود آمدند و بزهکارانی که به بیگاری کردن محکوم شده بودند، پس از گذراندن مدتی در سلول انفرادی به آن زندان ها منتقل می شدند . در این زندانها ، زندانیان اغلب به صورت دسته جمعی کار می کردند و با وجود شرایط سخت و انضباط شدید ، کار کردن دارای تنوع و ایمنی بود. در پورتلند زندانیان ، سنگ استخراج می کردند، آب بند می ساختند و جاده ها و ریل های قطار را برای نیروهای ارتش مرمت و بازسازی می کردند. در دارت مور زندانی ها کارهای ساختمانی و زراعت می کردند

و در کارخانجات صنعتی گوناگون مانند پوشاک دوزی ، کفش دوزی ، نمد بافی ، و کوله پستی دوزی مشغول به کار بودند و کارهای تعمیر و نگهداری و مشاغل بومی را انجام می دادند. دو کین اولین رئیس شوراهای زندان پس از سال ۱۹۷۷ نوشت که هدف از کار

زندانیان محکوم، بازدارندگی و اصلاح کردن (توسط القاء کردن عادات کارهای خوب) و همراه کردن این دو عامل به خود حمایتی بودن زندان بود.

با این حال اکثر زندانیانی که محکومیت آنها در حد هفته و ماه بود، مدت حبس خویش را در زندان های عملی سپری می کردند. در دهه ۱۸۶۰ در میان زندان های محلی تنوع کاری وجود داشت.

راگلیس برایش می گوید: در حالی که برخی متکی به کارهایی همچون چرخ پایی (چرخ دوزی) بودند، دیگران در بخش تولید و ساخت و فروش کالاهای بازرگانان بودند و این کار انگیزه کارکنان و زندانیان را نسبت به تجارت افزایش می داد . قانون زندان در سال ۱۸۶۵ در پی موجی از جنایات و دیدگاههای متضاد مقامات دولتی که زندان را به تنهایی مجازاتی سبک و ملایم بر می شمرد. تشدید کرد و اصلاح کردن زندانیان از طریق مذهب، از اهمیت کمتری برخوردار شد . بر اساس قانون زندان در سال ۱۸۷۷ کلیه زندانها تحت کنترل دولت درآمد و تا سال ۱۸۸۰ (که جمعیت کل زندان

ها به ۱۸۰۰۰ نفر رسید) کار انجام شده توسط زندانیان، به عنوان مجازات و عامل بازدارنده آنها محسوب می گردید. کار سخت تقریباً در یک ماه اول حبس، همه زندانیان مرد را شامل می شد. از آنجای که مدت اکثر محکومیت ها به یک ماه نمی رسید، کارهای داده شده به زندانیان، تنها تجاری بودند که آنها در زندان کسب می کردند. زندانیانی که مدت طولانی تری را زندان می گذراندند، کارهایی همچون جمع کردن کلاف، بافتن حصیر و کوله پستی، دوختن لباس زندانیان، کارهای محلی و بومی و اعمال تعمیر و نگهداری به آنها داده می شد. به زندانیان زن کارهایی مانند جمع کردن کلاف، بافتنی و دوختنی، شتو و تعمیر لباسها داده می شد. بجز کار چرخ دوزی، کلیه کارها در طی مدت حبس، توسط خود زندانی و روزانه بین ۹ تا ۱۰ ساعت انجام می گرفت پرداخت حق الزحمه به شکل پول (نقد) حداکثر ده شیلینگ بود که توسط یک زندانی در مدت حداقل شش ماه کسب می شد.

اشتغال زندانیان در قرن حاضر
شرایط سخت و طاقت فرسای زندان در زمان اصول گرایان یا گزارش گلدستون که منجر به بسیاری از تغییرات از جمله مسئله کار شد و کم کم بهبود یافت. طی دو دهه بعد بیگاری منسوخ شد و به جای آن، مکانهایی همراه با کارگاههای آموزشی که زندانیان در آن می توانستند کار کنند ایجاد شد. به کارکنانی هم که به زندانیان آموزش می دادند، پول اضافی پرداخت می شد. تعصبا به دور انداخته شد و جمع کردن کلاف



هرگونه تلاشی برای ایجاد تسهیلات شغلی که نه تنها پر سود خواهد بود بلکه موقعیت آموزش دادن برخی از صنایع را به زندانیان بوجود آورد. اگر مستقیماً منجر به استخدام زندانیان در پیشه خاصی نشود، حداقل به او عادت کار کردن خواهد داد. در غیر اینصورت زندگی آنها به طرف جرم و جنایت سوق پیدا خواهد کرد.

به تدریج کاهش یافت (با وجود این، کار تا دهه ۱۹۳۰ در برخی از زندان ها ادامه داشت). حرکتی برای ایجاد کارهای صنعتی از سوی دیگر نهادها و وزارتخانه ها بوجود آمد و در سال ۱۸۹۸ کومپترولر بیش از سی نوع جنس ساخته شده را فهرست کرد. از سال ۱۹۰۲ آموزشهای بازرگانی به تعدادی از زندانیان جوان داده شد و این در حالی بود که در زندان های محلی، اکثر زندانیان بصورت دسته جمعی کار می کردند و تعداد کمی از آنها نیز به تنهایی مشغول به کار بودند، با این حال پیشنهادهای کمیته گلدستون مبنی بر اینکه زندانی باید در طول سپری کردن دوران محکومیت خود، قادر به کسب در آمد باشد، پذیرفته نشد و تا سال ۱۹۱۳ دادن پاداش ها قطع شد و با اعطای مرخصی به زندانیان، جایجا شد. دیدگاههای مقامات عالی رتبه زندان در مورد هدف از کار در زندان از گزارش سالیانه آنها در سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ در زیر آمده است:

«هرگونه تلاشی برای ایجاد تسهیلات شغلی که نه تنها پر

سود خواهد بود بلکه موقعیت آموزش دادن برخی از صنایع را به زندانیان بوجود آورد. اگر مستقیماً منجر به استخدام زندانیان در پیشه خاصی نشود، حداقل به او عادت کار کردن خواهد داد. در غیر اینصورت زندگی آنها به طرف جرم و جنایت سوق پیدا خواهد کرد».

جنگ جهانی اول باعث شد زندانیان، بسیاری از ملزومات و تجهیزات جنگ را تولید کنند. اما از سال ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۳۱ سفارش کافی برای کار وجود نداشت.

در سال ۱۹۳۲ کمیته ای برای بازیابی شیوه های بکارگیری زندانیان و کمک به آنان برای پیدا کردن کار پس از آزادی، تشکیل شد. گزارش این کمیته بررسی جامعی را نشان داد. با وجود مشکلاتی که مسئولین زندان با زندانیان غیر ماهی با حبس کوتاه مدت داشتند. دیدگاه آنها نسبت به کار زندانیان اصلاح آنها بود و معتقد بودند که از کار کردن زندانیان نباید سوء استفاده کرد و هدف باید اصلاح و بازپروری آنان باشد. کمیته مذکور این نکته را مد نظر قرار داد که سیستم زندان باید بتواند آموزش یک حرفه را برای زندانی فراهم کند و زندانی پس از آزادی بتواند از آن حرفه استفاده کند. البته این امر برای اقلیت کوچکی کاربرد داشت و در مورد بقیه بیشترین کاری که صورت داده شد، فراهم آوردن شرایط کار و عادت دادن زندانیان به مشغول شدن به حرفه ای در زندان بود که می توانست پس از آزادی به درد او بخورد. این کمیته همچنین پیشنهاد بسیاری از شاهدان را در



مهندسی نیز باید برای زندانیان دوره آموزشی در نظر گرفته می‌شد. به نظر شورا سفارشات باید هم از سوی بخش خصوصی و هم از بخش دولتی گرفته شود و حقوق زندانیان به تناسب تلاش و مهارت بایستی گوناگون باشد. در نهایت شورا طرح کاربردی اولیه خود را در قالب یک زندان صنعتی ارائه داد و این امر منجر به گشایش زندان کلدنیگی در سال ۱۹۶۹ شد. برای عملی شدن پیشنهاد شورا در دهه ۱۹۶۰ کارهای بسیاری انجام شد. اما علیرغم ساختار جدید مدیریتی و تغییرات بسیاری دیگر در سیستم زندان های محلی با مشکلاتی روبرو بودند و این مشکلات با افزایش جمعیت زندان ها که در سال ۱۹۶۹ از مرز ۳۴۰۰۰ نفر گذشت، حادتر شد. در این سال دوزندگان کوله پشتی همچنان بزرگترین گروه شاغلان را تشکیل می دادند یعنی ۱۸ درصد از کل مردان شاغل و ۲۸ درصد از کسانی که در زندان های صنعتی مشغول به کار بودند.

شورا بر توانایی صنعتی که بر اثر آموزش بدست می آمد تاکید داشت و بی علائگی مسئولین زندان ها به مسئله کار و آموزش حرفه و فن را مورد انتقاد قرار می داد این شورا مشکلات موجود در زندان ها را نادیده نمی گرفت و در عین حال معتقد بود که در مورد آموزش کار به زندانیان می شد که کار بیشتری صورت داد. شورا همچنین معتقد بود اغلب مشاغلی که در صنعت مدرن و در زمان آزادی ممکن بود برای زندانی مهیا شود، مشاغلی بودند که نیاز به مهارت خاصی در شرایط مدرن صنعتی و تجاری نداشتند. اعتقاد شورا بر این بود که کارگاههای آموزشی زندان باید مانند کارخانه های مدرن برگزار شوند و برای این منظور پیشنهادهای فراوان و جزء به جزئی را ارائه داد و تاکید داشت که صنایع زندان باید صناعی باشد که نیاز به آموزش کوتاه مدت داشته باشند و فضای زیادی را اشغال نکنند. مانند خیاطی، تجاری و غیره در مورد کارهای حرفه ای تر مانند بازیافت فلزات و کارهای

نظر گرفت، مبنی بر اینکه باید به زندانیان حقوقی برابر با حقوق بیرون از زندان پرداخت شود تا آنها را وابسته به شغل نگه دارد. همچنین پیشنهاد شد که حقوق زندانیان بر اساس ارزیابی کاری که در صنایع خارج از زندان انجام می شود، محاسبه شود. هدف از پیشنهادهای کمیته دو چیز بود:

۱. ایجاد اشتغال بیشتر و در نتیجه بدست آوردن سود بیشتر
۲. بازدید از کارگاههای آموزشی و بالا بردن سرعت کار

تعداد مریبان کار باید بیشتر و از نظر کیفی و تحصیلی بهتر می شد، زندان های بزرگتر باید از مدیران صنعتی برخوردار می شدند. ظرف پنج سال بیشتر این کارها انجام شدند. کارگاههای آموزشی جدید با ماشینهای برقی جدید و تجهیزات ایمنی بوجود آمدند و به کلیه مزارعی که در زندان ها وجود داشتند، تراکتور داده شد. تا سال ۱۹۳۸ کمتر از یک سوم زندانیان در بخش تولید کوله پشتی مشغول بودند، البته این نسبت در سالهای آتی دوباره افزایش یافت.

برنامه ها و طرحهای کسب در آمد در بسیاری از زندان ها توسعه پیدا کرد و بصورت پرداخت متوسط هفت پنس در هفته برای یک کارگر در آمد. در پایان سال ۱۹۵۹ دولت یک شورای مشورتی را در خصوص سازماندهی و مدیریت صنایع زندان به ریاست یک کارشناس صنعتی تشکیل داد. برنامه این شورا فراهم آوردن شغل کافی، توسعه دیگر اشکال مشاغل زندانیان، آموزش حرفه به زندانیان و موارد مرتبط بود. این

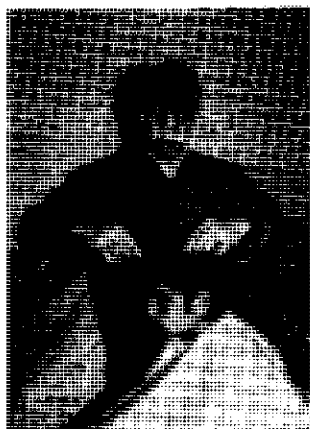
کمیته فرعی شورای مشورتی، تلاشها و برنامه ریزیهای سیستم جزائی انگلستان در مورد کار در زندان را موثر دانست ولی اذعان داشت که پیشرفت در این مورد زیاد نبوده است. با این وجود در دهه ۱۹۶۰، دیدگاه مثبت مقامات نسبت به سیستم زندان ها بیشتر شد. در برخی از مواد قانونی در سال ۱۹۶۴ هدف از توسعه کار در زندان اینگونه مطرح شد که به زندانیان باید آموزش فنی و حرفه ای داده شود. این آموزش باید باعث به دست آوردن و مشغول شدن به شغل و کاری بعد از آزادی باشد. از طرفی مشکلات موجود، کمبود کار کافی در سیستم زندان ها، مشکلات کارکنان زندان، معیارهای کارگاه آموزش واقعی، عدم موفقیت در استفاده بهینه از مهارت زندانیان و مشکلات روزمره، تردید در نقش کار در زندان را منعکس می کنند.

با در نظر گرفتن تاریخ زندان از اواخر قرن نوزدهم تا آغاز دهه ۱۹۹۰ در می یابیم که کار در زندان به شیوه های مختلف و در زمان های گوناگون مودر توجه قرار گرفته است. اهداف کار در زندان به شکل های مختلف مانند رهایی از گناه، کمک به انضباط، آموزش فواید کار کردن، نگهداری زندان ها، راه اندازی زندان ها به عنوان کارخانجات سود آور یا حداقل کاستن هزینه هایشان، کم کردن خشونت در زندان های بوجود آوردن کارهای عمومی، مجازات، مراقبت القاء کردن عادت کار کردن القاء کردن مهارتهای بازرگانی، درمان و آموزش و مشغول به کار

نگهداشتن زندانیان دیده شده است.

کارهای شاق و بی گاری مدتی است که از میان رفته ولی در سالهای اخیر درباره این سوال اساسی مطرح شده که آیا زندانیان باید کار کنند؟ اگر چنین باشد، چه نوع کاری را انجام دهند و دلایل انجام آنها چیست؟ تا چه میزان کار داخل زندان باید شبیه به کار خارج از زندان باشد؟ هر دو یا سه دهه یکبار، تحقیقی در مورد کار در زندان با سیستم زندان صورت گرفته است. برای مثال کمیته گلدستون در سال ۱۸۹۵، کمیته دولتی در سال ۱۹۳۲ شورای مشورتی در اوایل دهه ۱۹۶۰ کمیته ملی در سال ۱۹۷۹ صرف نظر از دیگر نهادها مانند سازمان ملی بازرسی، روی مسئله کار کردن در زندان به همراه پیچیدگی های حبس و مسئله جایگزین مجازات حبس با کار کردن، تحقیقاتی را انجام داده اند.

از سال ۱۹۹۲ ستاد مرکزی نارم زندان ها در راستای توسعه سیاست ها و عملکرد این سیستم شروع به فعالیت کرد. در اواسط همان سال یک بیانیه با عنوان طبیعت و توازن فعالیت های حکومت که شامل موارد زیر نیز می شود به مسئولین ابلاغ شد:



« کلیه زندانیان باید در فعالیتهای زیر ساختی شرکت کنند این امر باید برای زندانیان بزرگسال محکوم، برای تمام طول مدت حبسشان در نظر گرفته شود. بنابراین برای اکثر محکومین زندانی، کار بطور روزانه و همیشگی باید منظور شود.»

پیشرفت در کار زندان به علت تغییرات سریع و اساسی در نظام زندان ها صورت گرفت. از ژانویه سال ۱۹۹۳ مدیریت نظام زندان ها را شخصی به نام درک لوثیس که سابقا تاجر بود بر عهده گرفت.

از آوریل ۱۹۹۳ نظام زندان ها به جای اینکه بخشی از وزارت کشور باشد، تبدیل به یک سازمان مستقل اجرایی شد. برنامه همکاری سه ساله و یک برنامه کاری یک ساله که هر سال روز آمد می شد، به همراه عوامل کار گزار آنها جهت اندازه گیری میزان دستیابی به اهداف، طراحی شد.

در سال ۱۹۹۳ یان دون بار هنگام سخنرانی در نشست سالانه نظام زندان ها گفت که این نظام حس مدیریتی پیدا کرده و زندان وولف نقطه عطف آن است. وی گفت قبل از زندان های وولف وایت پاپرس ما چنین برنامه و مدیریتی را سراغ نداریم و در حال حاضر سیستم زندانبانی ما (انگلستان) خیلی بهتر شده است. اما از آن زمان تاکنون، تغییرات دیگری نیز داشته ایم. برخی از آنها با مدیریت دون بار مطابقت داشته در حالیکه دیگران بر خلاف برنامه های او کار می کردند. برخی از تغییرات اثرات مهمی بر کار و آموزش فنی زندانیان داشته و هم اکنون این تاثیرات قابل مشاهده است.